

# فرهنگ قانونمداری در اندیشه‌های قرآنی امام خمینی (ره) و بررسی مستندات آن

دکتر سیدرضا مؤدب

(دانشیار دانشگاه قم)

sr-moaddab@hawzah.net

چکیده: قانون رهگشای تراحم منافع بشری بوده و هست، خصوصاً که اگر قانون از نوع بهترین‌ها، یعنی کتاب دینی قرآن باشد. امام خمینی (ره)، بر آن است که فرهنگ پایبندی بر قانون الهی، موجب سیادت و کمال مسلمین است و تخلف از آن به جهت عدم تزکیه انسان‌ها، سبب اختلاف و شکست مسلمین شده است. در این مقاله به تبیین دیدگاه امام خمینی (ره) در خصوص منزلت قانون و پایبندی بر آن، و مستندات قرآنی آن پرداخته‌ایم.

کلید واژه‌ها: قانون، فرهنگ نظم، تعالی و کمال، تخلف.

## مقدمه

امام خمینی (ره)، برترین شخصیت قرن بیستم اندیشه‌های بلند و متعالی انسانی دارد. شخصیتی که با توکل بر خدا، رژیم سلطنتی را ویران کرد و در عصر غیبت در کشور ایران حکومت اسلامی را بنیان نهاد و شعاع آن جهان اسلام را نیز فرا گرفت. ایشان نهادهای قانونی نظام جمهوری اسلامی را سامان دادند و زمینه‌های تعالی فرهنگ و تمدن دینی را فراهم آوردند و از این رهگذر راه معرفت الهی را برای بشر امروزی نمایان کردند. اکنون

می‌بایست محققان و پژوهشگران دینی اندیشه‌های تابناک و قرآنی ایشان را در خصوص فرهنگ قانون و قانونمندی بررسی و مستندات آن را بیان کنند.

حضرت امام (ره)، تشکیل حکومت اسلامی را ضروری و موجب اصلاح جامعه و رسیدن به رشد و کمال و سعادت انسان می‌داند و لذا خداوند متعال، در کنار نزول قرآن و احکام شرع، حکومت و دستگاه اجرا و اداره آن را معین کرده است. پیامبر اسلام (ص) هم افزون بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر آن، تشکیلات اجرایی و نظامات سیاسی آن را نهاده‌ای نهاده است. از نظر امام خمینی (ره)، فلسفه حکومت، برای فراهم آوردن زمینه‌های اجرایی قانون است و این امری فراگیر در تمامی نظامات و فرهنگ‌های اجتماعی است، زیرا قانون‌گذاری به تنهایی سعادت بشر را تأمین نمی‌کند و پس از تشریح قانون، بایستی مجریان آگاه، بسترهای اجرایی آن را فراهم آورند و این مهم مختص به زمان و مکان خاصی نیست و در این زمینه می‌فرماید:

به ضرورت شرع و عقل آنچه در دوره حیات رسول اکرم (ص) و زمان امیرالمؤمنین (ع) لازم بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره پس از ایشان و در زمان ما نیز لازم است (خمینی [بی تا]: ۲۶).

با مطالعه کلام و گفتار امام خمینی (ره)، می‌توان گفت که ایشان در مورد منزلت قانون، کاملترین کتاب قانون، فرهنگ پایبندی به آن، آثار و پیامدهای عمل بر آن، به مباحث ذیل توجه می‌کنند:

## ۱. قرآن بهترین کتاب قانون

از منظر امام خمینی (ره) قرآن برترین و کاملترین کتاب قانون و حاوی همه نیازهای بشر است و مشتمل بر همه چیز است؛ زیرا قرآن، کتاب انسان‌سازی است و در جهت بیان راه و روش تربیت و تعلیم انسان در آن از هیچ امری دریغ نشده و به تبیین آن‌ها پرداخته شده است؛ همان‌طور که در قرآن کریم آمده است: ﴿وَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل: ۸۹)، یعنی ما این کتاب آسمانی را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است.

عبارت «تبیاناً لكل شیء» یعنی، تبیان همه چیز که نشان‌دهنده آن است که قرآن متضمن همه مطالب و برترین کتاب قانون است و روشن است که تبیان بودن قرآن برای همه چیز، می‌باید با توجه به هدف نزول آن باشد که همان «تربیت و گسترش انسان‌سازی» است. از این جهت در قرآن برای رسیدن به آن هدف مقدس، تمام تمهیدات ضروری برای پیمودن این مسیر، بیان شده است. مفسر معاصر مرحوم علامه محمدحسین طباطبائی در باب این آیه شریفه می‌فرماید:

تبیان، همان بیان است و هنگامی که قرآن، کتاب هدایت است، پس مقصود از تبیان بودن آن برای همه چیز، آن است که هرچه را در مسیر هدایت انسان بوده است، بدان پرداخته و آن را بیان داشته، مانند، معارف حقیقی مربوط به مبدأ و معاد، اخلاق فاضله، شرایع الهیه، قصص و مواعظ (طباطبائی ۱۳۹۳: ج ۱۲، ۳۲۴).

از این رو، در نگاه امام خمینی (ره)، قرآن غنی‌ترین کتاب قانون است، قانونی که صرفاً منشأ الهی دارد و لذا از هرگونه تغییر و آسیبی، مصون مانده است (خمینی ۱۳۷۷: ۷۲). اعتبار و حجیت قرآن، در الهی بودن آن است؛ و بدین جهت قرآن سفره گسترده‌ای برای هدایت همه انسان‌هاست، از شرق تا غرب، از گذشته و حال و آینده تا روز قیامت، کتابی که تمام افراد بشر می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. لذا، تنها هدایت‌یافتگان از این سفره پربرکت، راه سعادت را درمی‌یابند و آنان که از این کتاب گرانسنگ، خود را دور نگه داشته‌اند، سرنوشتی تاریک، برای خویش، ترسیم کرده‌اند. امام خمینی (ره)، قرآن را نور هدایت می‌داند و برای آنان که از این نور الهی بهره‌ای نبرده‌اند و در ظلمت‌خانه به سر می‌برند، تأسف می‌خورد و در این مورد می‌فرماید:

ای قرآن! ای تحفه آسمانی و ای هدیه رحمانی! تو را خدای جهان برای زنده کردن دل‌های ما و باز کردن گوش و چشم ما فرستاد. تو نور هدایت و راهنمای سعادت ما هستی، تو ما را از منزل حیوانی می‌خواهی به اوج انسانی برسانی... أسفا که قانون‌های تو در جهان عملی نشد تا همین ظلمت‌خانه و جایگاه مستی وحشیان و

دردندگان که خود را متمدنین جهان می‌دانند، رشک برین شود و عروس سعادت در همین جهان در آغوش همه درآید (خمینی ۱۳۶۴: ج ۲۱، ۳۲۴).

## ۲. ضرورت پابندی به قوانین قرآن

حضرت امام خمینی (ره) با توجه به اینکه قرآن را برترین کتاب قانون می‌داند، معتقد است که تمامی قوانین حکومت‌ها در صورتی که متخذ از قرآن باشد، ارزشمند است و می‌باید بر آن‌ها پایبند بود. از نظرگاه امام، قانون اساسی و تمامی قوانینی که ناشی از احکام اسلام باشد، اعتبار و ارزش دارد و بر همه مسلمانان واجب است که در عمل به آن رعایت آن کوشا و جدی باشند. از این رو، امام پابندی به قانون اسلام را امری ضروری و آن را وظیفه‌ای الهی می‌داند؛ و خود به منزله اسوه، التزام عملی به قانون داشت و معتقد بود در حکومت اسلامی، همه باید پایبند به قانون اسلام باشند:

ما هیچ حکومتی را جز حکومت الله نمی‌توانیم بپذیریم و هیچ دستگاهی را که برخلاف قوانین اسلام باشد، نمی‌توانیم بپذیریم و هیچ رأی را که برخلاف رأی اسلام باشد، نمی‌توانیم بپذیریم. ما تابع قانون اسلام هستیم (خمینی ۱۳۶۴: ج ۷، ۲۰۲).

حضرت امام (ره) علّت پابندی به قانون در حکومت اسلامی را، در آن می‌دانستند که قوانین اسلامی متخذ، از وحی آسمانی، اعم از قرآن و حدیث است که از سوی خالق انسان نازل شده که او و کلامش، برتر و در مرتبه علیاست. لذا خداوند در قرآن می‌فرماید: «کلمة الله هی العلیا» (توبه: ۴۰)، یعنی سخن خدا، بالا و پیروز است. مفسر گرانقدر، طبرسی در باب این آیه شریفه می‌فرماید: مقصود از کلمة الله، همان توحید است (طبرسی ۱۳۶۸: ج ۵، ۴۸)، در آیه مذکور مقصود از «کلمة توحید» در برابر «کلمة شرک»، همان یگانه پرستی است که منشأ و آغاز تمامی احکام اسلام است.

## ۳. سیادت مسلمانان در پناه عمل به قرآن

حضرت امام (ره)، ضعف، سستی و رکود مسلمانان در جهان کنونی به‌ویژه در برابر

قدرت‌های استکباری را در آن می‌داند که به قانون و احکام اسلامی در همه کشورهای اسلامی عمل نمی‌شود. و معتقد است که اگر مسلمانان عالم، بر احکام قرآن و حکومت اسلامی عمل کنند، سیادت آنان قطعی خواهد شد. اگر امروز جامعه اسلامی یا حتی اشخاص حرمتی ندارند و از سیادت بی‌بهره‌اند، حاصل عمل نکردن آن‌ها به قانون و مقررات اسلامی و سستی آنان در عمل به قوانین قرآن است، چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِيهِ لِيُخَلِّفَهُ فِيهَا فَمَنْ يُنَازِعِ فِيهَا فَإِنَّ اللَّهَ يُخَلِّفُ مَنْ يَشَاءُ لَئِنْ لَمْ يَدْعُوا بِهِ الْقُرْآنَ لَخَلَّفَتْهُمُ رُسُلُهُمْ وَسَاءَ لِمَنْ يَكْفُرُ حَالًا» (انفال: ۴۶) اطاعت فرمان خدا و پیامبرش را بنمایید و نزاع و کشمکش نکنید تا سست نشوید و قدرت و شوکت شما از میان نرود.

ایشان خطاب به یکی از حاکمان اسلامی می‌فرماید:

اسلام امروز مهجور است، احکام قرآن مهجور است. قرآن باید در تمام شؤون زندگی ما حاضر باشد. قرآن وقتی می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» (آل عمران: ۱۰۳) و می‌فرماید: «ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم» (انفال: ۴۶) این‌طور احکام مترقی سیاسی، که اگر بدان عمل شود، سیادت عالم، مال شماست (خمینی ۱۳۶۴: ج ۱۶، ۳۹).

و در مورد دیگری می‌فرماید:

دوری دولت اسلامی از قرآن کریم، ملت اسلام را با این وضع سیاه نکبت‌بار مواجه ساخته و سرنوشت ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی را دستخوش سیاست سازشکاران قرار داده است (همان: ج ۱، ص ۱۸۶).

#### ۴. تخلف از قانون به علت عدم تزکیه انسان‌ها

حضرت امام (ره) در بیان علت تخلف از قانون، می‌گوید که اگر در حکومت اسلامی، افراد اهل تزکیه نباشند و خود را ملتزم به رعایت قانون ندانند، طغیان و سرکشی و تخلف از قانون در جامعه پدید می‌آید؛ هر فردی خود را محور خواهد دانست و براساس تمایلات خویش، عمل خواهد کرد و متخلفان از قانون، دست به طغیان می‌زنند و خود را

در ورطه هلاکت می‌اندازند؛ اما انسانی که اهل تزکیه باشد و خود را مکلف به رعایت قانون بداند، بر خود اجازه نمی‌دهد، در برابر قانون تخلف و سرکشی و مقاومت کند و همواره بر رعایت قانون پایبند است، گرچه که به ظاهر، اجرای قانون بر آنان خوش و سودمند نباشد. لذا امام خمینی به این آیه شریفه استشهاد می‌کند کلاً إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ ﴿۷۶﴾ «انرا استغنی» (علق: ۷-۶) یعنی، به یقین انسان طغیان می‌کند از اینکه خود را بی‌نیاز ببیند. علامه طبرسی در باب این آیه شریفه می‌فرماید: مقصود آن است که انسان نسبت به حدود و قوانینی که خداوند برای او معین کرده، بی‌اعتنا باشد و از حدّ خویش تجاوز کند و کسی، بر چنین طغیانی تن می‌دهد که خود را، بی‌نیاز از خداوند بداند (طبرسی ۱۳۶۸: ج ۱۰، ۷۸۲).

امام خمینی (ره) «نفس اماره» را زمینه‌ساز طغیان بشر می‌داند که او را به سوی بدی‌ها و تخلف از قانون الهی، سوق می‌دهد و آن را حاصل عدم تزکیه بشر می‌داند و می‌فرماید: همه اختلافاتی که در بشر هست برای این است که تزکیه نشده است. غایت بعثت این است که تزکیه کند مردم را، تا به واسطه تزکیه، هم تعلّم حکمت کند و هم تعلّم قرآن، اگر (اسازن) چنان تزکیه بشود، طغیان پیش نمی‌آید. اختلافات (بی‌قانونی‌ها) که در بین بشر هست، ریشه‌اش، این طغیانی است که در نفس‌هاست (خمینی ۱۳۶۴: ج ۱۴، ۲۵۴).

##### ۵. اختلاف و شکست در سایه بی‌نظمی و بی‌قانونی

حضرت امام (ره) معتقد است، در هر جامعه‌ای، نظم و قانون، و فرهنگ عمل بدان، سنگ زیربنای آن جامعه، شمرده شده است. قانون محور توافق و همدلی است؛ پیروزی و موفقیت هر ملتی در سایه توجه به قانون است و گرنه هر کسی که به قانون تن در ندهد، دچار اختلاف می‌شود و در نهایت موجب شکست او خواهد شد؛ از این رو، چه در حال و چه در گذشته، در هر کشور اسلامی، در هر شکستی که برای آنان اتفاق افتاده، می‌توان سایه شوم بی‌نظمی و بی‌قانونی را دید.

در جنگ‌های صدر اسلام در هر مورد که مسلمانان گوش به فرمان پیامبر (ص) بودند، و کلام رسول اکرم (ص) را به سان قانون الهی، محترم می‌شمردند، پیروزی از آن آنان بود و هر جا به مانند نبرد احد، بی‌نظمی و تخلف از قانون، پیش می‌آمد، زمینه‌های شکست فراهم می‌شد. ایشان، با استشهاد بر این آیه شریفه، می‌فرمایند که «اطيعوا الله ورسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم» (انفال: ۴۶) یعنی اطاعت فرمان خدا و پیامبرش را بنیاید و نزاع و کشمکش مکنید تا سست نشوید و قدرت و شوکت شما از میان نرود. اطاعت خدا و رسول، از مهمترین قوانین اسلامی است چرا که با اطاعت نکردن از خدا و رسول، راه ذلت و شکست هموار می‌شود.

در شأن نزول آیه مذکور که مربوط به جنگ بدر است آمده است که عبارت «لا تنازعوا»، یعنی از نزاع و اختلاف پرهیزید تا در برابر دشمن، سست مباشید؛ زیرا اختلاف و در نتیجه، پایبند نبودن شما به فرامین رسول (ص)، موجب شکست شما خواهد شد. عبارت «تذهب ريحكم» یعنی صولت، هیبت و عظمت شما از بین خواهد رفت. کلمه «ریح»، به معنی باد است و اشاره لطیفی است بر اینکه اگر بر اثر نزاع با یکدیگر سست شوید، آن قدر سبک می‌شوید که باد شما را خواهد برد و مقصود آن است که قدرت شما از بین خواهد رفت. (طبرسی ۱۳۶۸: ج ۴، ۸۴۲) حضرت امام (ره)، اختلاف و شکست در سبب بی‌قانونی را تنها منحصر به میدان جنگ نمی‌داند و آن را به تمام امور زندگی، جاری می‌داند و می‌فرماید:

اختلاف و نزاع، (بی‌قانونی) شما را به شکست می‌رساند. عزیزان من اگر اسلام را می‌خواهید و کشور را... به فرمان خداوند متعال گوش دهید (خمینی ۱۳۶۴: ج ۱، ۱۸۸).

## ۶. نظم و رعایت قانون، سبب اتحاد و همبستگی

امام خمینی (ره) از جمله پیامدهای ارزشمند رعایت قانون را، اتحاد و دوستی می‌داند که ملل مسلمان در طول تاریخ در غالب موارد از آن دور مانده است. از منظر ایشان، نظم و

فرهنگ رعایت قانون، بسترساز یگانگی جامعه و ملل مسلمان می‌شود و اگر نظم و قانونی در جامعه نباشد، جامعه توحیدی نخواهد شد و به اهداف خود نخواهد رسید:

اگر نباشد نظم، جامعه از توحیدیت بیرون می‌رود، جامعه توحیدی، جامعه‌ای است که همه، کار خودشان را انجام می‌دهند. روی نظام، و همه مقصدشان یکی است (همان ۱۳۶۴: ص ۱۴۹).

ایشان رعایت قانون و نظم، در همه زمینه‌ها را موجب برابری، برادری و اتحاد می‌دانند که خداوند در قرآن، همه مسلمانان را بر آن امر فرموده است: «واعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً و لا تفرّقوا و اذکروا نعمت اللّٰه علیکم اذکنتم اعداء فآلف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً» (آل عمران: ۱۰۳) یعنی همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام) چنگ زبید و پراکنده نشوید، و نعمت بزرگ خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید.

حضرت امام (ره)، قانون حکومت اسلامی را سبب‌ساز اتحاد و برادری می‌داند که هر کس بر اساس قانون، به حق خود خواهد رسید و به حق دیگری تجاوز نخواهد کرد. در اختلاف‌ها، محور می‌باید قانون باشد. همچنان که در تزاخم منافع و اختلاف سلیقه‌ها، قانون راه نجات خواهد بود. نظام جمهوری اسلامی در سایه محسوریت قانون در بین مسئولان و مردم حفظ خواهد شد:

باید همان‌طور که قانون اسلامی مقرر کرده است و ملت به آن رأی داده، باید همان‌طور عمل شود و اسباب این نشود که هر طایفه‌ای برای خودشان یک حکومتی داشته باشد و یک کاری را برخلاف مقررات بکنند... قرآن همه شما را برادر خوانده است؛ قرآن عقد اخوت بین همه شما بسته است (خمینی ۱۳۶۴: ج ۱۳، ۲۷).

و در موردی دیگر می‌فرمایند:

شما می‌خواهید یک مملکتی را حفظ کنید... این کار تا آن که نظام، منسجم نباشد، ممکن نیست (همان: ۱۶).



#### ۷. یادآوری قانون، برخاسته از ضرورت امر به معروف و نهی از منکر

حضرت امام (ره) امر به معروف و نهی از منکر را از جمله امتیازات جامعه اسلامی می‌داند که در آیات قرآن بدان سفارش مؤکد شده و آن را از ضرورت‌های انکارناپذیر جامعه اسلامی و شادابی جامعه اسلامی را در تحقق این فریضه گرانقدر می‌داند؛ از این رو، یادآوری قانون را برای متخلفان در جامعه اسلامی، برخاسته از ضرورت اجرای امر به معروف و نهی از منکر تلقی و بر این آیه شریفه، استشهاد می‌کند که: «ولتكن منكم أمة يدعون الى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر وأولئك هم المفلحون» (آل عمران: ۱۰۴)، یعنی باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن‌ها همان رستگارانند. علامه طباطبائی، در باب این آیه شریفه می‌فرماید:

معلومات انسانی که برای او ذخیره شده، اگر برای او یادآوری نشود، بسا به فراموشی سپرده می‌شود و با یادآوری و عمل بر آن‌هاست که آن‌ها حفظ خواهند شد و طبیعی است که عمل انسان در هر حال بر مدار علم است. با غفلت و فراموشی آن‌ها، عمل به آن‌ها هم سست و رو به فساد خواهد رفت؛ از این جهت در جامعه اسلامی همواره باید بر آن‌ها تأکید داشت (طباطبائی ۱۳۹۳: ج ۳، ۳۷۲).

از این رو، یادآوری قانون و تذکر مناسب و شایسته آن، امری معقول و مشروع، و در مواردی واجب و ضروری است. حضرت امام (ره) در این خصوص می‌فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر بر همه ملّت واجب است. اگر یکی خلاقی کرد، باید او را نهی کنند؛ باید او را بازدارید (خمینی ۱۳۶۴: ج ۱۳، ۶۰).

#### ۸. کمال و تعالی در سایه عمل به قانون اسلامی

امام خمینی (ره) معتقد بود که از والاترین اثرهای قانونمداری، در حکومت اسلامی، آن است که جامعه در سایه عمل به قانون به سمت کمال و فرهنگ متعالی سوق داده می‌شود. اجرای قانون اسلامی، بستری سازگار برای پرورش استعدادهای انسان‌هاست تا آنان

در جهت اهداف انسانی به رشد خود برسند؛ رشد هر جامعه، براساس نظم و رعایت مقررات است؛ رشد و عدالت، رابطه دو سویه دارند که در سایه اجرای قوانین اسلامی و رعایت نظم و قانون محقق می‌شوند و در این خصوص می‌گوید:

آنچه می‌خواهم عرض کنم به شما... این است که توجه کنید یک وقت برخلاف قواعد اسلام رفتار نکنید، هر اجتماعی با انتظامات می‌تواند رشد کند (همان: ج ۶، ۲۵۶).

امام راحل همواره همگان را بر اجرای صحیح وظایف قانونی خود توصیه می‌کرد تا نظام اسلامی به رشد مطلوب خود برسد و از هرگونه هرج و مرج، تداخل و ظایف در یکدیگر و ظلم، کاسته شود و می‌فرمود:

اگر همه افراد مملکت، آن کاری که دستشان هست، بنا بگذارند که خوب انجام بدهند، این مملکت، یک مملکت الهی عالی می‌شود و اگر بنا باشد که این کار خودش (یعنی به سود خودش) را می‌خواهد انجام بدهد، به کار دیگری هم دخالت کند، (مانند اینکه) این قاضی است، بخواهد قوه مجریه هم باشد... این هرج و مرج است (همان: ج ۱۳، ۱۷).

## ۹. ضرورت اجرای قانون، در گستره عام

حضرت امام (ره)، همواره بر آن تأکید داشت که وقتی افراد جامعه می‌توانند در سایه فرهنگ اجرای قانون به رشد و تعالی و کمال برسند، که اجرای قانون در گستره عام آن و در همه موارد و هماهنگ با یکدیگر باشد و تمامی افراد از مسئولان و مردم مؤظف باشند بر آن عمل کنند و همچنان می‌باید اجرای قانون در همه موارد و همه قلمروهای زندگی باشد؛ لذا اگر در جامعه به برخی از قوانین عمل شود و برخی رها شود، آن هدف متعالی حاصل نخواهد شد، گرچه ممکن است، مراتبی از آن تحقق یافته باشد. ایشان در این مورد به این آیه شریفه: **ان الذین یکفرون بالله و رسله و یریدون ان یفرقوا بین الله و رسله و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض و یریدون ان یتخذوا بین ذلک سبیلاً** \* أولئک هم

فرهنگ قانونمداری در اندیشه‌های قرآنی امام خمینی (ره) / ۴۱

الکافرون حقاً»، (نساء: ۱۵۱-۱۵۰) یعنی کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند و می‌گویند به بعضی ایمان می‌آوریم و بعضی را انکار می‌کنیم و می‌خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند، آنان کافران حقیقی‌اند؛ و لذا در ادامه این گفتار می‌فرماید:

در همه شؤون انسانی، اسلام و قرآن باید وارد بشود، لکن بعضش باشد و بعضش نباشد، اشکال دارد (همان: ۱۳۶۴: ج ۱۳، ۱۷).

علامه محمد جواد مغنیه، در باب این آیه شریفه می‌فرماید: در دین اسلام، ایمان تجزیه‌پذیر و تفکیک‌پذیر نیست و دارای حقیقت واحد و نسبت به همه احکام است و هرکس به خدا ایمان آورده، لازم است تا به انبیا نیز بدون استثناء ایمان آورد و هرکس نبوت یکی از آنها را انکار یا حکمی از احکام خداوند متعال را انکار کند، در حالی که می‌داند حکم الهی است، او به حکم عقل، کافر است. (مغنیه [پی تا]: ص ۱۲۸).

### ۱۰. حرمت تخلف از قانون

حضرت امام خمینی (ره) در باب اهمیت قانون و منزلت بلند و استوار آن، همواره تأکید می‌کند و تخلف از آن را حرام و خلاف شرع می‌داند. از نظرگاه امام در حکومت اسلامی، همه قوانین محترم و همه افراد می‌باید مواظب باشند تا تخلف از قانون نکنند، حتی اگر قانون و مقررات راهنمایی و رانندگی باشد و در این جهت تفاوتی بین قوانین نیست و می‌فرماید:

هم جهاد سازندگی باید مقررات را حفظ کند و هم کسان دیگر... باید هر نهادی روی همان مقرراتی که دارد عمل بکند... برخلاف مقررات، خلاف شرع است.

(خمینی ۱۳۶۴: ج ۶، ۸۹)

و همین‌طور می‌فرماید:

اسلام دستور داده که همه باهم، تمام اقشار باهم، با اعتصام به حبل‌الله، پیش بروند، تخلف از این دستور حرام و گناه است. (همان‌جا)

حضرت امام (ره)، حفظ نظام را در گرو عمل به قانون، و تخلف از مقررات نظام اسلامی را نادرست می‌داند و به آیه شریفه استشهد می‌کند که «یا أيها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط» (نساء: ۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً قیام به عدالت کنید. علامه طبرسی در باب آیه مذکور می‌گوید: خداوند از انسان‌های مؤمن خواسته که همواره، خواهان قسط و عدالت باشند و این را جزء عادات خویش بدانند، چه در قول و چه در عمل. (طبرسی ۱۳۶۸: ج ۲، ۱۸۹) از این رو، حضرت امام خمینی (ره)، همواره بر حفظ نظام، تأکید می‌کند و می‌فرماید: حفظ نظام از واجبات شرعیه است. (خمینی ۱۳۶۴: ج ۷، ۱۵۰) ایشان برای حفظ نظام جمهوری اسلامی بر اجرای قانون تأکید دارند و می‌فرماید:

پس از رأی مجلس و انفاذ شورای نگهبان، هیچ مقامی حق رد آن را ندارد و دولت در اجرای آن باید بدون هیچ ملاحظه‌ای اقدام کند (همان ۱۳۶۴: ج ۱۷، ۲۰۲).

و در موردی دیگر می‌فرماید:

البته باید همه امور، بر نظام و نظم باشد... حفظ نظم از واجبات الهی است. باید در قوه قضاییه هم این نظم، محفوظ باشد. یعنی این طور نباشد که قاضی یک روز بخواهد بیاید و یک روز دیگر هم نخواهد بیاید... باید یک مملکتی همه چیزش نظام داشته باشد (همان: ج ۱۳، ۱۵).

## ۱۱. نتیجه

حضرت امام (ره)، رهبری عزیز و مقتدر بود که نخست خود بر قانون و فرهنگ عمل بدان، پایبند و سپس دیگران را بر آن توصیه فراوان می‌کرد. و بر همین اساس، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در پرتو رهبری‌های حکیمانه و فداکاری ایثارگران عزیز، بنیان نهاده شد. ایشان بر اساس اندیشه‌های قرآنی خود، بر آن بوده که قرآن، بهترین قانون است و پایبندی بر رعایت آن، موجب سیادت مسلمین است؛ همچنان که اختلاف و شکست نیز در سایه بی‌نظمی و رعایت نکردن قوانین شکل می‌گیرد؛ تخلف از قانون

فرهنگ قانونمداری در اندیشه‌های قرآنی امام خمینی (ره) / ۴۳

نیز ناشی از عدم تزکیه درونی انسان‌هاست و می‌باید براساس ضرورت امر به معروف، بر یادآوری قانون، اهتمام ورزید.

### منابع و مأخذ

- خمینی روح‌الله، (۱۳۶۴) صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، ج ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۲۱، تهران، مرکز مدارک انقلاب اسلامی.
- \_\_\_\_\_، [بی‌تا] ولایت فقیه، تهران، انتشارات سید جمال.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۷) تبیان، دفتر سیزدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۹۳ ق) المیزان فی تفسیر القرآن ج ۱۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۸) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
- مغنیه، محمد جواد، [بی‌تا] التفسیر المبین، بی‌جا.